

اگزستانسیالیسم

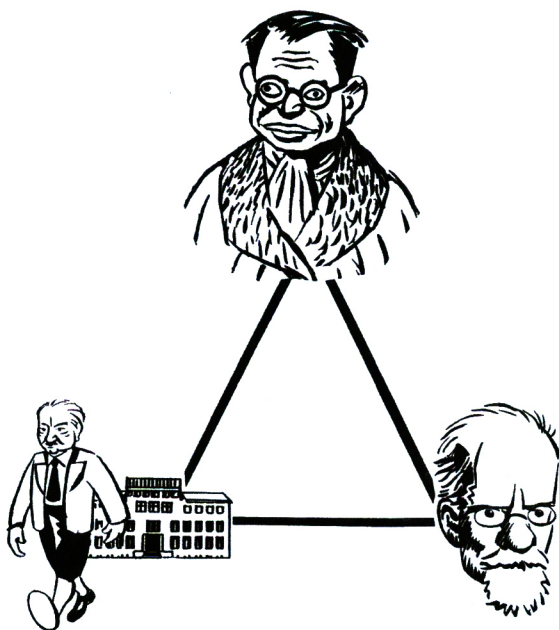
قدم اول

نویسنده: ریچارد آپیگنانزی

طراح: اسکار زارات

مترجمان: حمیدرضا قوچانی

ابراهیم اسکافی



مسئله پوچی

صایک مسئله حقیقتاً جدّی فلسفی وجود دارد و آن خودکشی است. قضاوت بر سر اینکه زندگی زیستن را دارد یا نه، پاسخ دادن به پرسش بنیادین فلسفه است.» آلبر کامو (۱۹۱۳-۶۰) کتاب فئانه سیزیف (۱۹۴۲) را با این جمله آغاز می‌کند. او با نقل قولی از نیچه شدت بیشتری به آن می‌بخشد: «فیلسوفی شایسته احترام است که موعظه‌اش با سرمشق همراه باشد.»



اما بعدها کامو به یکباره به این نکته پی برد که «هر دلیلی برای زیستن، دلیلی فوق‌العاده برای مردن نیز هست.» در هر دو مورد، قربانی ممکن است در معرض خطر باشد. پرسش این است که آیا زیستن مستلزم معنادار بودن زندگی است؟ و نتیجه می‌گیرد که نه. از منظر پوچی، «زندگی بدون معنا را بهتر می‌توان زیست.»

در میان شب و مه

کامو نوعی ارزیابی «پوچ گرایانه» از زیستن را در زمانه‌ای خطرناک، در سال ۱۹۴۲ و در پاریس شکست خورده تحت اشغال نازی‌ها، برگزیده است. دیگران هم مثل خودش عضو نهضت مقاومت هستند که نوعی «ارتش سایه‌ها» است (مردان و زنانی که به صورت پنهان به عملیات خرابکارانه دست می‌زنند) و همواره در خطر بازداشت، شکنجه و مرگ توسط گشتاپو قرار دارند.



در گوشه و کنار هر
خیابان، احساس پوچی بر
صورت هر انسانی سیلی
می‌زند.

او می‌گوید پوچی «در برهنگی عذاب‌آورش و در درخشش بی فروغش ...» است. البته در مقاله کامو در باب پوچ‌گرایی در این زمان و مکان معنای نهفته‌ای هم وجود دارد، معنایی که از تشکیلات سانسور اشغالگران می‌گریزد و خودش نوعی کنش ایستادگی جسورانه است.

وحشت شاهدهی بود بر پوچی. هیتلر، با الهام از خودبزرگ‌بینی واکنری، در هفتم دسامبر ۱۹۴۱، فرمان «شب و مه» را مختص اهالی سرزمین‌های فتح‌شده غربی صادر کرد. به موجب این حکم، هر کس که امنیت آلمان را به مخاطره بیندازد «دستگیر شده و بی هیچ ردّ و نشانی در شب و مه همچون فردی گمنام در آلمان سر به‌نیست خواهد شد». و این عملاً یعنی تبعید و مرگ.



بعنوان ایرلندی
بی طرف، می‌توانستم
در کنج عافیت
تماشاچی باقی بمانم.
اما انتخابی پیش
رویم بود ...

ساموئل پکت (۱۸۹-۱۹۰۶) نمایشنامه‌نویس ایرلندی در پاریس در آن زمان، در شرایطی که به واسطه بی‌طرفی دولت ایرلند در جنگ جهانی مصونیت داشت، تصمیم گرفت که با پیوستن به نهضت مقاومت، جان خود را به خطر بیندازد. چرا؟ برای آنکه در چنین شرایطی، کنار گذاشتن عقل سلیم و پذیرش پوچی شرافت است.